

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز با رویکرد بینامتنی ژرار ژنت

عالیه یوسف‌فام*^۱ رضا طاهری^۲

(دریافت: ۱۳۹۶/۵/۶، پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۶)

چکیده

بر اساس رویکرد بینامتنیت، هیچ متنی خودبسنده نیست و هر متن در آن واحد، هم بینامتنی از متون پیشین و هم بینامتنی برای متون پسین خواهد بود. در این جستار، به معرفی کتاب مجموعه داستان‌های تودرتوی هزارویک‌روز که بر اساس ادعای پتیس دلاکروا ترجمه کتاب مجموعه داستان فارسی از درویش مخلص، به زبان فرانسوی است، پرداخته می‌شود و سپس با رویکرد ترامتنیت (بینامتنیت) ژرار ژنت، روابط بینامتنی این کتاب با قصه‌های عامیانه ایرانی بررسی می‌شود. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. از دریچه ورامتنیت و سرمتنیت و پیرامتنیت، این کتاب در قصه بنیادین، به شیوه روایت تو در توست و چیش قصه‌ها در کنار هم کاملاً از الگوی قصه‌های عامیانه ایرانی بهره می‌برد و تألیف، ترجمه و بازترجمه هزارویک‌روز فرایندی بینامتنی و محصول جامعه زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی است. از دریچه بینامتنیت و بیش‌متنیت نیز شش قصه در ساختار کلی هزارویک‌روز از گونه رابطه بینامتنی و نقل قول غیرصریح از متن‌های پیش از خود هستند که در روایت و عناصر داستان با قصه‌های عامیانه ایرانی رابطه بیش‌متنی دارند. دوازده قصه دیگر بر اساس سنت قصه‌گویی، پرداخت و چیش و بسط بن‌مایه‌ها، رابطه بیش‌متنی با متن قصه‌های عامیانه ایرانی پیش از خود دارند و هرگز

۱. استادیار ادبیات فارسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران (نویسنده مسئول).

* daliehyf@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد تهران مرکزی.

نمی‌توان گفت ریشه و بنیان داستان‌های *هزارویک‌روز* جعلی، اختراعی، پرداخته خیال و ریخته قلم دلاکرواست.

واژه‌های کلیدی: *هزارویک‌روز*، ألف النهار، بینامتنیت، ترامتنیت.

۱. مقدمه

فرانسوا پتیس دلاکرو^۱ در ۱۷۱۰م نخستین جلد از ۴ جلد کتاب *هزارویک‌روز*^۲ را شش سال پس از نشر نخستین جلد از *هزارویک‌شب*^۳ آنتوان گالان^۴ به زبان فرانسوی چاپ کرد. دلاکرو در مقدمه کتابش ادعا می‌کند *هزارویک‌روز* ترجمه مجموعه داستانی فارسی از درویش مخلص است. وی در جوانی، نسخه‌ای از «فکاهی هندی» را - که در کشورهای شرقی ترجمه‌های آن وجود دارد و نسخه ترکی آن فرج بعد از شدت نامیده می‌شود و در کتابخانه سلطنتی فرانسه، نسخه‌ای از آن موجود است - ترجمه کرده و نام آن را *هزارویک‌روز* نامیده است. پتیس دلاکرو در مقدمه کتابش شرح می‌دهد که درویش مخلص با اعتمادی که به وی داشته، نسخه دست‌نوشته کتاب را در اختیار او گذاشته و اجازه داده است که از آن رونویسی کند (DelaCroix, 1919: 1-6؛ محبوب، ۱۳۸۳: ۴۳۱؛ رستمی گوران، ۱۳۸۹: ۷۰).

شخصیت اصلی این کتاب، شاهزاده فرخناز، دختر سلطان کشمیر است که با دیدن خوابی از مردان بیزار می‌شود و از ازدواج سر باز می‌زند. دایه‌اش می‌کوشد با نقل قصه‌هایی با مضمون وفاداری مردان به زنان، نظر فرخناز را نسبت به مردان تغییر دهد. تمام داستان‌های این کتاب به صورت قصه‌های پیاپی و تو در تو و در راستای هدف اصلی پردازش شده است. شباهت نام کتاب و ساختار داستان‌های تو در تو با قصه بنیادین قصه‌گو و محتوای این کتاب با *هزارویک‌شب*، منتقدان را بر آن داشت که *هزارویک‌روز* را گریته‌برداری‌ای از داستان‌های *هزارویک‌شب* بدانند. از همین رو محققانی چون هامر پرگشتال^۵، کالین دو پلانسی^۶، پل ارنست^۷، پاول سباک^۸ و پل صباغ^۹... بعد از تحقیقات زیاد، چون هیچ متن فارسی‌ای در آثار و وسایل به‌جا مانده از دلاکرو نیافتند و هویت «درویش مخلص» نیز به عنوان شخصیتی تاریخی برای آنان آشکار نشد، داستان‌های *هزارویک‌روز* پتیس دلاکرو را ترجمه‌ای جعلی دانستند. در

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز... _____ عالیہ یوسف‌فام و همکاران

این مقاله، با توجه به همسانی‌ها و وجوه مشترک بین این کتاب و داستان‌های عامیانه ایرانی به‌ویژه *هزار و یک شب* به این پرسش پاسخ داده می‌شود که *هزارویک‌روز* چه رابطه بینامتنی‌ای با قصه‌های عامیانه ایران دارد. این پژوهش با بررسی داستان‌های این کتاب از دریچه ترامتیت (بینامتنیت) ژرار ژنت می‌کوشد به خاستگاه قصه‌ها و ریشه‌یابی داستان‌های *هزارویک‌روز* در پهنه ادب فارسی بپردازد و با بررسی و ریشه‌یابی قصه‌ها امکان شناخت اولیه و رغبت بازچاپ و خواندن این داستان‌ها و بازآفرینی آن‌ها را فراهم آورد.

۲. پیشینه و روش تحقیق

هزارویک‌روز با ترجمه محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمد کریم‌خان قاجار از فرانسوی به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۲۷۵ شمسی به نام *الف النهار* در قطع رحلی در ۵۷۵ صفحه به چاپ سنگی رسید و در سال ۱۳۲۹ شمسی توسط نشر امیرکبیر در ۴۰۴ صفحه ویرایش منتشر شد. اساس کار در این پژوهش بررسی روابط بینامتنی در *هزارویک‌روز* ترجمه‌شده به زبان فارسی است که بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای، نوع تحلیل داده‌ها کیفی و روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. پژوهش‌هایی که درباره کتاب *هزارویک‌روز* در ایران انجام شده بسیار محدود است یا در حد توصیف و معرفی کتاب است. پیشینه تحقیقات پیش از این بدین شرح است:

۱. محمدی‌ها، مریم (۱۳۸۴)، «*هزارویک‌روز*»، کتاب *ماه هنر*، شماره ۸۱ و ۸۲.

این مقاله در حد یک صفحه به معرفی کتاب *هزارویک‌روز* بسنده کرده است

۲. منصوری، کلثوم (۱۳۹۳)، «بررسی وجوه روایتی در *هزارویک‌روز*»، *پژوهش‌های ادبی*، سال ۱۱، شماره ۴۶. اخذشده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان *بررسی عناصر داستانی در «هزارویک‌روز»*، دانشگاه هرمزگان، دانشکده علوم انسانی. این مقاله پس از معرفی کتاب *هزارویک‌روز* و طرح نظریات وجوه روایتی تودوروف، به بررسی شکل وجوه روایتی داستان‌های *هزارویک‌روز* می‌پردازد که وجه غالب را اخباری گزارش می‌کند و کاربرد دوم را وجوه روایت شرطی.

۳. بینامتنیت و ژرار ژنت

آثار ادبی بر اساس نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های ایجادشده توسط آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند. دیگر نظام‌ها و رمزگان و سنت‌های هنری در شکل‌گیری معنای هر اثر ادبی اهمیت دارند و بدون در نظر گرفتن آن‌ها قادر به دریافت معنی از متن نیستیم. این نشان می‌دهد که متن‌ها^{۱۰} - چه ادبی چه غیرادبی - فاقد معنای مستقل و درواقع متشکل از همان چیزی هستند که نظریه‌پردازان امروزی آن را امر بینامتنی می‌نامند. درواقع، تأویل یا خوانش متن ردیابی همان نظام‌ها، رمزگان و سنت‌های فرهنگی است که آن‌ها را کشف معنی می‌دانیم. به تعبیری بینامتنیت^{۱۱} همان نظریه ادبی و فرهنگی مدرن در زبان‌شناسی قرن بیستم است که سرآغازش را در کار زبان‌شناسان معروفی چون فردینان دوسوسور^{۱۲} و چارلز سندرس پیرس^{۱۳} می‌توان ریشه‌یابی کرد. ژولیا کریستوا^{۱۴} با ابداع اصطلاح بینامتنیت در ۱۹۶۶ به‌طور رسمی این حوزه از مطالعات نقد ادبی را با مقاله‌ای با عنوان «کلمه، گفت‌وگو، رمان»^{۱۵} - که در آن به تشریح آثار باخنین می‌پرداخت - راه‌اندازی کرد. در زبان‌شناسی نیز رگه‌هایی برای ورود به نظریه بینامتنیت ایجاد شده بود. ازجمله کارهای سوسور پژوهش درباره «رابطه دو یا چند واژه است که بر اساس وجوهی مشترک شکل گرفته باشند. این گونه روابط بین واژگانی مورد نظر سوسور بعدها از سوی برخی از محققان بینامتنیت دنبال شد» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۳۲) و فرمالیست‌ها به شعر پارودی^{۱۶} (شعر به تقلید از دیگری) پرداخته بودند و ادبیات تطبیقی نیز به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم می‌پرداخت. از دید کریستوا هر متنی بینامتنیت است و حد و مرزی برای بینامتنیت قائل نیست. رولان بارت^{۱۷} هرچند مانند کریستوا درباره بینامتنیت به نوشتار مستقلی دست نزد؛ اما در بسیاری از نوشته‌ها به بینامتنیت پرداخت. بارت در مقاله «از اثر به متن»^{۱۸} می‌گوید:

بینامتن که تمام متن را فرامی‌گیرد؛ زیرا خود آن متن میان متن یک متن دیگر محسوب می‌شود، نمی‌تواند با خاستگاه متن اشتباه شود. جست‌وجوی «منابع» و «تأثیرات» یک اثر موجب رضایت اسطوره خویشاوندی می‌شود. نقل‌قول‌هایی که متن را شکل می‌دهند، با وجود اینکه پیش‌تر خوانده شده‌اند، ناشناخته و جدایی‌ناپذیر هستند، به همین دلیل نقل‌قول‌هایی بدون گیومه هستند (همان، ۱۰۴).

بارت با تفاوت قائل شدن بین بینامتنیت و نقد سنتی، جست‌وجوی کارآگاهانه منتقدان سنتی را که همانند یک مأمور و مفتش در جست‌وجوی روابط یک اثر با آثار دیگر یا یک نویسنده با نویسندگان دیگر هستند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌کوشد تا خود را از این روش کندوکاو به دور نگاه دارد. «به همین دلیل بینامتن نزد بارت ویژگی گمگشتگی و پنهانی دارد؛ زیرا در متن توزیع شده و بسیار فراتر از نقل‌قول‌های مستقیم است که مهم‌ترین عناصر مطالعه در نقد سنتی محسوب می‌شود. بنابراین، امکان جداسازی بینامتنیت از متن وجود ندارد و این پیوستگی و درهم‌رفتگی تا آن‌جا پیش می‌رود که متن و بینامتن، نزد بارت یک هویت واحد پیدا می‌کنند» (همان، ۱۴۹) و پیش‌متن خلق اثر مورد توجه نیست؛ بلکه پیش‌متن خوانش اثر مهم است. این مسئله نیز با دیگر آراء بارت همچون «مرگ مؤلف» هماهنگی دارد.

نظریه‌پردازان نسل دوم بینامتنیت همچون لوران ژنی^{۱۹}، میخایل ریفاتر^{۲۰}، ژرار ژنت^{۲۱} و هارولد بلوم^{۲۲} به کاربردی کردن بینامتنیت پرداختند و در مواردی با نسل بنیان‌گذاران این نظریه به اختلاف نظر رسیدند. خلاف نظریات کریستوا و بارت که به جدایی بینامتنیت از نقد سنتی (نقد منابع) باور داشتند، نسل دوم بینامتنیت کوشیدند تا از بینامتنیت به‌عنوان یک ابزار و شیوه برای روابط بین متن‌ها بهره ببرند و بوطیقای سبک‌شناسانه و روشی برای تحلیل متن ایجاد کنند. نظریه‌پردازان بینامتنی دو نظریه اصلی در رابطه با منابع و مراجع متن‌ها ارائه می‌دهند: نخست گروهی که یک متن را متشکل از متن‌های دیگر می‌دانند و جست‌وجوی منابع آن‌ها را بی‌فایده تلقی می‌کنند؛ گروه دوم آن‌هایی که مصمم هستند تا رد پا و عناصر متن‌های دیگر را در متن نوین بیابند (Genette, 1997: 3). ژنت از دسته دوم است. ژنت منتقد و نظریه‌پرداز فرانسوی سه کتاب به نام‌های *سرمتن و الواح بازنوشتی*^{۲۳} و *پیرامتن* دارد. او روابط یک متن با غیر خود را ترامتنیت^{۲۴} می‌نامد و بینامتنیت را یکی از پنج قسمت ترامتنیت می‌داند و حوزه آن را محدود می‌کند. درواقع ترامتنیتی که ژنت از آن سخن می‌گوید «اصطلاحی است که می‌توان بینامتنیت از دیدگاه ساختاری خواند» (آلن، ۱۳۹۵: ۱۴۳). حوزه مطالعاتی وی از جهان متنی خارج نمی‌شود. پنج گونه رابطه ترامتنی را می‌توان از هم تفکیک کرد.

۱. ورامتنیت (فرامتنیت)^{۲۵}:

هنگامی که یک متن در رابطه‌ای تفسیری با متن دیگر قرار می‌گیرد، ورامتنیت یک متن مفروض را با متن دیگر متحد می‌کند؛ به گونه‌ای که این متن مفروض بدون اجباری به نقل کردن (بدون فرا خواندن) و درواقع گاه حتی بدون نام بردن از آن متن دیگر سخن می‌گوید (همان، ۱۴۹).

تفسیرها و نقدها در متن‌هایی ریشه دارند که آن‌ها را تفسیر یا نقد می‌کنند. در تفاوت این دو گونه فرامتن می‌توان گفت تفسیرها تبیین‌کننده متن‌ها و نقدها ارزیاب آن‌ها هستند. متن‌ها به ساحت خلق تعلق دارند در صورتی که فرامتن‌هایشان به ساحت نقد. بنابراین، رابطه فرامتنی می‌تواند به صورت تشریح، انکار و تأیید متن مصداق داشته باشد.

۲. سرمتنیت^{۲۶}: «سرمتن شامل انتظارات ژانری، وجهی، مضمونی و صوری خواننده از متن می‌شود» (همان، ۱۵۰). «این وجه از متن به انتظارات خواننده و دریافت او از متن مربوط می‌شود» (Genette, 1977: 3) و به واحدی بزرگ و فراگیر گفته می‌شود که متن‌های همگون را در خود جای دهد. به همین دلیل می‌توان گفت: رابطه متن با سرمتن «رابطه‌ای تعلق و گونه‌شناسانه یک متن به گونه خود است» (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۲۸). بر همین اساس، گونه‌های ادبی یا هنری سرمتن هستند؛ زیرا واحدهای بزرگی محسوب می‌شوند که متن‌های زیادی را در بر می‌گیرند. رابطه میان متن‌ها در سرمتنیت رابطه‌ای خویشاوندی است و به واسطه یک واحد بزرگ و مادر به هم پیوند می‌خورند.

- پیرامتنیت^{۲۷}: «حفظ دیدگاه‌های مؤلف و در مرحله بعد دیدگاه ناشر آیین و ایدئولوژی خودجوشانه پیرامتن است» (Genette, 2009: 5). پیرامتن‌ها

عناصری هستند که در آستانه متن قرار گرفته و دریافت یک متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل می‌کنند. این آستانه شامل یک درون‌متن است که عناصری چون عناوین اصلی، عناوین فصل‌ها، درآمدها و پی‌نوشت‌ها را دربر می‌گیرد. نیز یک برون‌متن که عناصر بیرون از متن مورد نظر نظیر مصاحبه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، نقد و نظرهای منتقدان و جوابیه‌های خطاب به آنان و نامه‌های خصوصی و دیگر به موضوعات مربوط به مؤلف یا مدون‌کننده اثر را در برمی‌گیرند (آلن، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

از دیگر پیرامتن‌های درون متن می‌توان به متن (اثر)، نام مؤلف، نام ناشر، طرح روی جلد، پیشکش‌نامه و مقدمه اشاره کرد. پیرامتن‌ها پیوسته مستقل نیستند و به متن اصلی وابسته‌اند و نقش ورودی به متن اصلی را دارند؛ اما پیرامتن‌های بیرون‌متنی به پیرامتن‌هایی گفته می‌شود که از متن اصلی جدا هستند. کارکردهای آن‌ها همانا ایجاد میل و کشش به‌سوی متن اصلی است. اخبار، مصاحبه‌ها، پوسترهای تبلیغاتی، تیزر و رونمایی‌ها نمونه‌هایی از پیرامتن‌های ناپیوسته هستند که به کارکرد تبلیغی متن می‌پردازند.

۳. بینامتنیت: «حضور هم‌زمان دو متن یا چندین متن ... و حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر» (Genette, 1977: 1-2) بینامتنیت نامیده می‌شود و «هنگامی شکل می‌گیرد که دو متن دارای عنصر یا عناصری واحد باشند» (نامور مطلق، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۹). در یک متن مشخص و ثابت چندین متن دیگر می‌تواند قرار بگیرد. رابطه میان متن نخست و متن تازه به گونه‌ای است که اگر متن نخست نبود، متن دوم بدون عناصر به عاریت گرفته‌شده خلق می‌شد. بینامتنیت دست‌کم چهار زیرگونه دارد که عبارت‌اند از: نقل قول، ارجاع، سرقت و تلمیح. بینامتن‌ها را به سه دسته صریح و غیرصریح و ضمنی می‌توان تقسیم کرد. بینامتن‌های صریح آن‌هایی هستند که مؤلف به‌صراحت و گاهی با مرجع به متن پیشین ارجاع داده است؛ ولی در بینامتن‌های غیرصریح مؤلف به دلایلی از متن پیشین یادی نکرده است و اگر دقت نشود نمی‌توان عنصر مشترک را شناسایی کرد. هر یک از این گونه‌ها با شاخص‌ها و ویژگی‌هایی از هم متمایز می‌شوند: نقل قول و ارجاع صریح و آشکار هستند در صورتی که تلمیح و سرقت ضمنی و پنهان هستند. ارجاع به پیرامتن اشاره دارد در صورتی که نقل قول به خود متن. علت زیباشناختی تلمیح زیباشناختی ولی دلیل سرقت پنهان‌کاری است (همان، ۶۷).

۴. زبرمتنیت (بیش‌متنیت)^{۲۸}: هرگاه رابطه دو متن بر اساس برگرفتگی «یعنی متنی برگرفته از یک متن پیش‌موجود دیگر [باشد]» (آلن، ۱۳۹۵: ۱۵۶) بیش‌متنیت شکل می‌گیرد. «در بینامتنیت اگر متن نخست نباشد متن دوم شکل می‌گیرد. در صورتی که رابطه بیش‌متنی رابطه‌ای وجودشناسانه است؛ یعنی اگر متن نخست نباشد متن دوم نیز شکل نخواهد گرفت» (نامور مطلق، ۱۳۹۱: ۲۹)؛ برای مثال رابطه میان متن اصلی و متن ترجمه رابطه‌ای بیش‌متنی است، چنان‌که اگر متن اصلی نبود متن ترجمه نمی‌توانست

شکل بگیرد؛ اما درک ترجمه نیازی به حضور متن پیش‌متن ندارد. در این گونه، متنی که از آن استفاده می‌شود زیرمتن^{۲۹} و متنی که نوشته می‌شود زیرمتن^{۳۰} نامیده می‌شود. «آنچه ژنت از آن به‌عنوان زیرمتن یاد می‌کند همان چیزی است که دیگر منتقدان آن را بینامتن می‌نامند» (آلن، ۱۳۹۵: ۱۵۶). بیش‌متنیت مهم‌ترین شکل تکثیر متنی است که به بینامتن ژنتی نزدیک است و به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: تقلیدی^{۳۱} (همان‌گویی) و تغییری^{۳۲} (دگرگویی). هر یک از این دو دسته، سه زیرشاخه نیز دارند که زیرشاخه‌های دسته تقلیدی عبارت‌اند از: پاستیش^{۳۳} (استقبال، تقلید آگاهانه)، شارژ^{۳۴} (کاریکاتور)، فورژری^{۳۵}. زیرشاخه‌های دسته تغییری نیز عبارت‌اند از: پارودی^{۳۶} (نقیضه)، دگرپوشی و جای‌گشت. البته در تقلید هم قطعاً تغییر هست و از این رو دگرگونی و تغییراتی که زیرمتن در زیرمتن انجام می‌دهد، تقسیم می‌شود به:

الف: تغییرات افزایشی، مثل شرح و تفصیل، بسط و گسترش.

ب: تغییرات کاهش‌ی، مثل تلخیص، تقلیل، حذف و برش.

ج: تغییرات جابه‌جایی، مثل ترجمه، تبدیل کردن شعر به نثر و بالعکس، تغییر وزن، سبک، مکان، شکل و غیره.

۴. بررسی ترامتنیت ژنت در بن‌مایه و شیوه قصه‌گویی هزارویک‌روز

۴-۱. پیرامتن قصه‌های هزارویک‌روز

۴-۱-۱. پیرامتن‌های درون‌متنی

پیرامتن‌های درون‌متنی عبارت‌اند از: عناوین داستان‌ها، روزانه‌ها و تقسیم آن‌ها و پیش‌درآمدهای چون آورده‌اند، یا نقل کرده‌اند و بخش پایانی قصه‌ها ... در داستان‌های هزارویک‌روز عناوین قصه‌ها و روزانه‌ها تا ۱۰۰۱ پیش می‌رود.

۴-۱-۲. پیرامتن‌های برون‌متن

اینکه از برون‌متن قصه‌ها چه تبلیغی برای این قصه‌ها می‌شده است اطلاعاتی وجود ندارد؛ اما برون‌متن‌هایی در خود این مجموعه داستان وجود دارند؛ مثلاً نقد و بررسی

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز... _____ عالی‌ه یوسف‌فام و همکاران

داستان‌ها توسط مخاطبان درون داستان (فرخناز و دوستان شنونده‌اش) و تبلیغ و ترغیب دایه برای داستان‌گویی مانند انتهای قصه‌های «رضوان‌شاه» و «شاهزاده‌خانم شهرستانی»، «کولوف و دل‌آرای خوش‌سیما»، «شاهزاده خلف و توران‌دخت ملکه چین» و انتهای قصه‌های «بدرالدین لولو».

۲-۴. ورامتن قصه‌های هزارویک‌روز

از ورامتن‌های هزارویک‌روز در زبان مبدأ چیزی در دسترس ما نیست، نه متن انتقادی نه تفسیری که این کتاب چگونه نوشته شده است یا چه کارکردی درون این کتاب هست؛ اما در مقدمه دلاکروا بر کتاب فرانسوی می‌بینیم که نقدهایی بر کتاب اصلی هم بوده است؛ از جمله مباحث بینامتنی و اخذ داستان‌ها و شباهت آن با کتاب‌های دیگر.

۳-۴. سرمتن قصه‌های هزارویک‌روز

بن‌مایه‌های^{۳۷} قصه‌های ایرانی مخزنی از عناصر اولیه ساخت قصه‌ها در دست قصه‌گویان بوده‌اند و در سنت قصه‌گویی فارسی با به‌خاطر سپردن بن‌مایه‌ها، قصه می‌گفته‌اند و یا به ذهن می‌سپرده‌اند و ساخت هر قصه نسبت به قصه عامیانه پیشین، حاصل ترکیب و چینش جدیدی از این بن‌مایه‌هاست و از متنی به متن دیگر انتقال‌پذیرند. این امر یعنی برای تمام قصه‌ها بر اساس روابط بینامتنی در مرحله تولید یک سرمتن وجود داشته است. سرمتن در تعاریف ژنت واحدی بزرگ و فراگیر است که متن‌های همگون را در خود جای دهد و رابطه متن با سرمتن رابطه‌ای تعلق و گونه‌شناسانه است. سرمتن قصه‌های هزارویک‌روز قصه‌های تودرتو است که گونه فراگیر از قصه‌های عامیانه ایرانی است. سرمتن دیگر، قصه‌های عاشقانه است؛ زیرا «وفاداری مردان تا دستیابی به معشوق» بن‌مایه اصلی داستان‌های این کتاب است.

۴-۴. بررسی بینامتنیت و بیش‌متنیت در قصه‌های هزارویک‌روز

ساختار داستان‌نویسی هزارویک‌روز تودرتو یا لایه‌لایه است. در لایه اول، حکایت فرخناز، دختر شاه کشمیر (روایت اصلی) قرار دارد. با ورود جرعه‌بخش قصه‌گو در لایه دوم، شش داستان بلند روایت می‌شود. در لایه سوم این روایت‌ها به ۵۰ روایت داستانی

تقسیم می‌شوند که در لایه چهارم و پنجم نیز روایت‌های مستقلی به آن‌ها افزوده می‌شود و جمعاً ۷۲ روایت کوتاه را شکل می‌دهند که به صورت کلاسیک ۱۸ داستان است.

ترجمه از صنایع بدیعی چون سجع، جناس، مبالغه و ارسال‌المثل، و صور خیال همچون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بهره برده است. استشهاد به آیات و احادیث و نیز اقتباس (حل و درج) نیز در نثر ترجمه به وفور یافت می‌شود که بیانگر بینامتنیت (در ارجاع و تلمیح) و بیش‌متنیت است. نثر فارسی ترجمه‌شده هزارویک‌روز با بهره‌گیری از شیوه‌های بلاغت فارسی (با وجود ایرادهای در این ترجمه چون ضعف تألیف و ایرادهای املایی و انشایی) نثری قابل قبول است که از کج‌فهمی‌های زبانی به دور است و به گونه‌ای است که برای مخاطب امروز، کتاب هیچ رنگ و بوی ترجمه ندارد. در پژوهش حاضر برخی از ارجاعات متنی بر اساس فصل‌بندی کتاب‌ها ارائه شده است (مثلاً ارجاع به شبانه‌های هزارویک‌شب به جای ارائه صفحه از این کتاب) تا یافتن ارجاعات متنی از نسخه‌های چاپی مختلف ساده‌تر شود.

۴-۱. فرخان‌زاده شاهزاده کشمیر و جرعه‌بخش قصه‌گو (قصه بنیادین)

این قصه با قصه بنیادین «شهرزاد و شهریار» در هزارویک‌شب رابطه بینامتنی دارد. در قصه بنیادین هزارویک‌شب، شهرزاد داستان می‌گوید تا جان خویش را برهاند و رأی پادشاه را تغییر دهد و بیماری او را درمان کند و در هزارویک‌روز جرعه‌بخش داستان می‌گوید تا رأی شاهدخت را در مورد ازدواج تغییر دهد و بیماری او را درمان کند. نیز در دیگر قصه‌های تودرتوی ایرانی چون چهل‌طوطی که طوطی برای رفع فساد خاتون قصه می‌گوید.

این قصه با «قصه تاج‌الملوک و سیده دنیا» در هزارویک‌شب (شب ۱۲۸ تا ۱۳۸) در پلات داستان (ایجاد تعلیق داستانی، گسترش و حل) و در بن‌مایه داستانی «خواب دیدن و امتناع از ازدواج» رابطه بیش‌متنی دارد. در قصه هزارویک‌شب عنصری که در خواب دیده شده است کبوتر است و دایه پیر داستان نمی‌گوید؛ بلکه با ارائه گزارش خواب دختر به تاج‌الملوک عاشق، و همکاری با تاج‌الملوک در پیشبرد داستان همراه می‌شود.

متن زیرین قصه از بن‌مایه‌های بینامتنی «عاشق شدن به وسیله خواب»، «بیماری عاشقانه»، «در جست‌وجوی معشوق بودن»، «تغییر لباس»، «جادوگری»، «وصال پس از سختی» و «رسیدن به پادشاهی» بهره می‌برد. این قصه با بن‌مایه «خواب دیدن درباره ازدواج» با داستان «غفور و وزیر دانا و و ملکه روم و طاووس و ماده طاووس و آهو و ماده آهو» در شب چهلیم طوطی‌نامه نیز رابطه بیش‌متنیت دارد. در داستان مذکور نیز، ملکه روم از ازدواج سر می‌زند و پیشبرد هر دو داستان و باز شدن گره‌های داستانی به‌واسطه روبه‌رو شدن دو شخصیت داستانی و تعریف خواب‌هاست. در همسانی بن‌مایه «عاشق شدن به‌وسیله خواب دیدن» - که این بن‌مایه داستانی در بسیاری از داستان‌های عاشقانه تکرار می‌شود - با حکایت «ملک شهرمان و قمرالزمان» (شب ۱۶۹ تا ۲۱۶) از هزارویک‌شب ارتباط دارد.

این داستان به‌صورت خلاصه در باب پنجم جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش روایت می‌شود. هر چند جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش چند دهه پس از ترجمه فرانسوی هزارویک‌روز نوشته شده است؛ اما از آنجا که هر دو داستان ذکرشده با سنت داستانی پیش از خود مرتبط هستند، احتمال بیش‌متنیت به‌صورت مستقیم بسیار کم است و علت این شباهت به‌واسطه آن است که هزارویک‌روز و جامع‌الحکایات آبخوری همسان داشته‌اند. اما از نظر بینامتنیت در روایت گنج‌بخش، «فرخ‌روز»، قهرمان و شخصیت اصلی ماجراست و «سیمرغ وزیر» با اینکه در داستان هست؛ اما در راستای اهداف داستانی نقش برجسته‌ای ندارد.

۴-۲. ابوالقاسم بصری

داستان ابوالقاسم بصری در مضمون و بن‌مایه «از فقر تا توانمندی و گشایش غم‌ها» مانند حکایت‌های بسیاری در ادبیات عامیانه چون حکایت ۱۰ و حکایت ۴۸ از باب هفتم فرج بعد از شدت، حکایت ۲۴ جامع‌الحکایات نسخه آستان قدس است و نیز با حکایت «چون بازرگانی که به فقر افتاد تا گشایش شامل حال او شد» از باب هشتم جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش همسان است.

بن‌مایه «مرگ‌های ساختگی» نیز در داستان «عطاءالملک وزیر غمگین و

شاهزاده خانم زلیخا» و «رب سیماب» از همین کتاب تکرار می‌شود. قسمت‌های تو در توی این داستان با برخی قصه‌های هنر/رویک‌شب که هارون‌الرشید در آن‌ها نقش دارد رابطهٔ سرمنیتیت دارد؛ مانند قصهٔ «ابومحمد تنبل» که راز ثروت بادآورده‌اش را به هارون می‌نماید و نیز با قصهٔ نعمان در چهار درویش که او نیز ماجرای بسیار ثروتمند بودنش را برای خلیفه تعریف می‌کند، همسان است. حسادت سلطان از تعریف و تمجید رعایا و یا ثروت آنان و یا پوشیدن لباس مبدل توسط سلطان برای جست‌وجوی اوضاع و احوال رعایا از بن‌مایه‌های مشترک قصه‌های ادبیات عامیانه است که در متون تاریخی نیز هست. در بن‌مایهٔ «نواختن موسیقی و وجود کنیزکان موسیقی‌دان» می‌توان به حکایت اسحاق موصلی (شب ۲۷۸ تا ۲۸۸) و حکایت مطابقت خواب (شب ۳۵۷) از هنر/رویک‌شب اشاره کرد.

این قصه با همین عنوان در باب اول جامع‌الحکایات با روایتی خلاصه‌تر در نسخهٔ گنج‌بخش آمده و قصه‌های فرعی آن کمتر است. داستان تا پیش از گرفتار شدن ابوالقاسم بصری همسان است. اما در نسخهٔ گنج‌بخش نجات ابوالقاسم بصری به عهدهٔ دزدان است.

۳-۴-۴. رضوان‌شاه و شاهزاده خانم شهرستانی

در قصهٔ اصلی، این حکایت با حکایت «رضوان‌شاه و پری و چشمهٔ آهو» از جامع‌الحکایات - که تاریخ تحریر آن ۱۰۲۵ قمری است (صفا، ۱۳۷۰: ۵ (۳) / ۱۵۰۲) - همسان است و در باب چهارم جامع‌الحکایات نسخهٔ گنج‌بخش به گونه‌ای خلاصه‌تر این داستان آمده است. نیز به یک داستان دیگر ایرانی با عنوان «از دست دادن زن که از پریان است» اشاره دارد که به گونهٔ کد ۸۳۲A فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۵۷) آمده است.

در قصهٔ اول، «حکایت شاه جوان تبت و شاهزاده خانم نعمان»، و قصهٔ سوم، «حکایت مقبل و دلنواز»، درون‌مایهٔ «تبدیل شدن انسان به انسان دیگر و یا به شیء یا جاندار دیگر به وسیلهٔ سحر و مکر و جادوی جادوگران» مطرح می‌شود که در قصه‌های عامیانه همسان‌های بسیار دارد. این بخش از قصه با داستان شب هفدهم طوطی‌نامه

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز... _____ عالی‌ه یوسف‌فام و همکاران

داستان منصور تاجر و مسافرت او و آمدن شخصی در خانه به هیئت او و رسوا شدن آن مرد) در استفاده از بن‌مایه‌های مشترک، اشتراک دارد؛ یعنی هر دو متن از متن پیشین یا همان متن بن‌مایه برگرفته شده‌اند و از این رو، با بن‌مایه‌ها رابطه بیش‌متنیت دارند و خود این داستان‌ها زبرمتن‌اند. در قصه «رضوان‌شاه و شاهزاده‌خانم شهرستانی»، «ترک حکومت و رفتن به سرزمین معشوق» و «جنگ به کمک پریان» بن‌مایه‌هایی وجود دارد که در بسیاری از داستان‌های عامیانه فارسی چون «بهرام و گلندام» امین‌الدین محمد سبزواری در قرن نهم تکرار شده است.

۴-۴-۴. خاورشاه وزیر

این داستان با بن‌مایه «ترس پادشاه از وزیران دانا و پیشگویی وزیران دانا» با داستان‌های وزیران ایرانی چون بوذرجمهر حکیم و یا داستان حکیم رویان در هزارویک‌شب رابطه بینامتنیت دارد.

۴-۴-۵. کولوف و دل‌آرای خوش‌سیما

این قصه با قصه «داستان پسر خشت زن و دختر تاجر» در بهار دانش (کنوه لاهوری، ۱۳۹۲: ۲۹۷) همچنین با «ماجرای محلل شدن علاء‌الدین» در هزارویک‌شب (شب ۲۵۷ تا ۲۵۹) و قصه «شاپور خشت مال با عالم دانشمند و دختر تاجر» از باب ۲۱ جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش رابطه بیش‌متنیت دارد. در انتقال، این داستان از زیرمتن فرضی و در مقایسه، این داستان در هزارویک‌روز با افزودنی‌های بسیار و شرح و تفسیر و تعلیق‌های مناسب به نسبت متون دیگر، باز روایت شده است. بن‌مایه «از فقر تا توانمندی» در کتاب هزارویک‌روز در قصه «ابوالقاسم بصری»، و «عطاءالملک وزیر غمگین و شاهزاده‌خانم زلیخا»، و «عذرای خوشگل» نیز تکرار شده است. از این رو، این بن‌مایه‌ها در قصه «کولوف» به نسبت کتاب هزارویک‌روز ارجاع روابط بینامتنی درون کتاب دارند و به نسبت وجود این بن‌مایه‌ها در قصه‌های باب پنجم و هفتم و هشتم فرج بعد از شدت و نیز در هزارویک‌شب رابطه بیش‌متنی دارند. موضوع محلل شدن (حلال شدن طلاق) نیز در همین کتاب مجدداً در داستان «ابوالفوارس» تکرار شده

است. مضمون «بی‌فرزندى پادشاه پیر» بن‌مایه تکرارى بسيارى از داستان‌هاى عامه‌ایرانى است؛ از جمله در شروع قصه «افسانه گل‌ریز» نوشته نخشبى در قرن هشتم، متولد شدن «سلامان» در *سلامان و ابسال* اثر جامى در قرن نهم و «بهرام» در *بهرام و گلندام* امین‌الدین محمد سبزواری در قرن نهم آمده است. «ورود حاکم و حل مشکل توسط آن شخصیت» از بن‌مایه‌هاى بسيارى از قصه‌هاى ایرانى است که مانند بخش انتهای سفر سندباد در *هزارویک‌شب* با حضور هارون‌الرشید همراه است. این بن‌مایه در قصه‌هاى *فرج بعد از شدت* باب سوم و چهارم تکرار شده است.

۴-۴-۶. شاهزاده خلف و توران‌دخت ملکه چین

بخش اول داستان، روایت جنگ و گریزهای ایالت‌های کوچک شمال شرقی ایران، با متون تاریخ قرن هفتم چون *تاریخ جهانگشای جویی* و *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی در قرن نهم روابط بیش‌متنى دارد. در قسمت چهارم قصه (قصه توران‌دخت)، هرمان‌اته در بررسی نثر ایرانى از دو نسخه کوتاه خطى نام می‌برد که این داستان روابط بیش‌متنى با این داستان‌ها دارد: «شاهزاده دختر فغفور چین که پرسش‌هایی از عاشقان خود می‌کند» و دیگری قصه «شاهزاده خانم روم و شاه عبدالعلی دانشمند». این شاهزاده هم با عاشقان خود همان معامله‌ای را می‌کند که دختر فغفور می‌کند (اته، ۱۳۵۶: ۲۲۲) و با قصه «ملک‌زاده و دختر فغفور» از باب ۱۸ *جامع‌الحکایات* نسخه گنج‌بخش و حکایت «ملک‌زاده و دختر فغفور» از جزء اول از قسمت سوم *جامع‌الحکایات* و *لوامع‌الروایات* عوفی همسانی دارد و همچنین با قصه «گنبد چهارم یا بانوی حصاری» از هفت گنبد نظامی هم‌ریشه است. و نیز با حکایت «دختری که به خواستگاری جواب آری می‌داد که در میدان جنگ بر او پیروز شود» (شب ۵۹۸ از *هزارویک‌شب*) مطابقت دارد. و این داستان با داستان بنیادین کتاب (فرخناز شاهزاده کشمیر و جرعه‌بخش قصه‌گو) و نیز با موضوع «انجام دادن وظایف مشکل برای رسیدن به وصال دختر شاه» کد ۷۲۵ فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۴۸) هم‌ریشه است و رابطه بینامتنی دارد. همچنین، این داستان می‌تواند با متنى که مارکوپولو در سفر خود با عنوان «ماه‌تابان و دختر شاه قائد» آورده است، مقایسه شود. در بن‌مایه «عاشق شدن به واسطه تصویر معشوقه» که در

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز... _____عالیه یوسف‌فام و همکاران

بسیاری از داستان‌های ایرانی تکرار شده است؛ ازجمله عاشق شدن امیر ارسلان با دیدن تصویر فرخ‌لقای فرنگی و دل‌باخته‌ او شدن در داستان «امیر ارسلان رومی» و یا برعکس آن، «عاشق شدن آفتاب خانم شاهزاده رومی با دیدن تصویر فلک‌ناز شاهزاده مصری» در داستان «فلک‌نازنامه». در همین کتاب نیز بن‌مایه عاشق شدن با دیدن تصویر معشوق در قصه «سیف‌الملوک» وجود دارد. شاهزاده سیف‌الملوک با دیدن تصویری از شاهدخت بدیع‌الجمال، دختر شهبال، عاشق او می‌شود. در *بهار دانش* (قصه جهاندار و عاشق شدن او) جهاندار با توجه به توصیفی که طوطی از بهره‌ور بانو می‌کند، عاشق بهره‌ور بانو می‌شود (توصیف صورت نه دیدن تصویر). در حکایت ملک شهرمان و قمرالزمان (شب ۱۶۹ تا ۲۱۶) از *هزارویک‌شب* آگاهی عاشق و معشوق از یکدیگر و ارتباطشان به واسطه خواب اتفاق می‌افتد.

۴-۷. قصه فضل‌الله ارتق

داستان فضل‌الله موصلی و آنچه بر سر او آمده بود در باب دوم *جامع‌الحکایات* نسخه گنج‌بخش به گونه‌ای خلاصه‌تر آمده است. این قصه به چند قسمت تقسیم می‌شود: رسیدن به فقر و نداری شاهزاده ارتق و درگیر دزدان شدن، و از عاشق شدن تا همراهی با دزدان، رسیدن به معشوق، تلافی کردن معشوق از قاضی و فضل‌ارتق و درویش. در بخش اول روابط بینامتنی بسیاری با داستان‌هایی با بن‌مایه «از دارایی تا فقر» دارد و در قسمت دوم که بخش اعظم این داستان است بن‌مایه‌های «مکر زنان» و «قاضی نادان» وجود دارد و این بخش از سرمتنیت قصه‌های طنز، پیروی می‌کند. در بخش سوم داستان، در شیوه استفاده از بن‌مایه‌های «استفاده از طلسم» و «جابه‌جایی روح در آهو و طوطی» با داستان‌های شب‌چهل ششم *طوطی‌نامه* (داستان رأی اجین و قعریه دختر رام ثانی ...) و داستان گم کردن جهاندار سبیل منهال دولت *بهار دانش* (کنبوه لاهوری، ۱۳۹۲: ۴۲۶) همسان است. «تبدیل انسان به حیوانات» بیش‌متن این قصه است. در «افسانه گل‌ریز» این بن‌مایه «تبدیل شدن نوش‌لب به پرنده‌ای کوچک» آمده است. نوش‌لب پس از پرنده شدن به گریه و زاری برای دوری از معشوق می‌پردازد. این بن‌مایه که به جهان ناممکن می‌پردازد داستان را به سرمتن قصه پریان وارد می‌کند.

۴-۴-۸. عطاءالملک وزیر غمگین و شاهزاده خانم زلیخا

شروع این قصه مانند قصه «کولوف» به داستان‌های فرج بعد از شدت شبیه است. این قصه با حکایت زین‌الاصنام پسر ملک بصره باب ۸ جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش رابطه‌ی متنی از نوع سرمتنیت با بن‌مایه «گشایش پس از غم» دارد و با گونه کد ۸۸۵B فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۶۹) همسان است. در موضوع قصه، به قصه عاشقانه «حسن بصری» و «نورالدین و زمرد» در هزارویک‌شب نزدیک می‌شود. در بخش انتهایی داستان موضوع گفتن قصه زندگی توسط خود قهرمان برای نجات جان و تأخیر مرگ و امید به تغییر، وجود دارد که با بخش زیادی از هزارویک‌شب که در آن قهرمانان برای نجات جان خود داستان زندگی خویش را تعریف می‌کنند، همانند است؛ برای نمونه حکایت «بازرگان و عفریت»، «پیر و غزال»، «پیر و سگش»، «پیر و استر» و «حکایت صیاد» (شب اول تا چهارم).

۴-۴-۹. سیف‌الملوک

این داستان با متن «در حکایت پادشاهی که در تلاش مرد بی‌غم سعی می‌کرد» از جامع‌الحکایات - که تاریخ تحریر آن ۱۰۲۵ قمری است (صفا، ۱۳۷۰: ۵/۳) ۱۵۰۲ - همسانی ساختاری دارد و با قصه «پرسیدن آن پادشاه از وزیر خود که در عالم ...» از باب ۱۱ جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش و ده‌ها داستان شفاهی ثبت‌شده دیگر در موضوع داستانی همسانی و یکسانی دارد. اما این رابطه از نوع بیش‌متنیت و برگرفته از بن‌مایه داستان‌های قصه ایرانی است.

شکستن کشتی یا عدم همراهی باد و در جزیره یا سرزمینی ناشناخته قرار گرفتن، نیز شروع و گسترش تعلیق داستانی است که در داستان‌های سفر با محور «شگفتی» تکرار می‌شود. بن‌مایه «در دام عفریت و دیو افتادن» نیز به کرات در غالب داستان‌های عامیانه با همین کیفیت که در این داستان هست تکرار شده است که رابطه بیش‌متنی دارد. بن‌مایه «جادو با انگشتر یا شیء سحرآمیز» و بن‌مایه «عاشق شدن به وسیله دیدن تصویر» که پیش از این در داستان‌های قبل مطرح شد از بن‌مایه‌های مشهور در ادبیات عامیانه فارسی هستند. بن‌مایه شکستن کشتی در هزارویک‌شب نیز در داستان

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز... _____ عالی‌ه یوسف‌فام و همکاران

«سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال» (شب ۷۵۸ تا ۷۷۸) آمده است. البته به نقل از اِته (۱۳۵۶: ۲۲۲) داستان سیف‌الملوک به شکل نسخه‌های کوتاه نیز موجود است که برخی از آن‌ها با این داستان مطرح‌شده در هزارویک‌روز متفاوت‌اند و از نظر زمان نیز برخی از نسخه‌ها بعد از هزارویک‌روز و هزارویک‌شب منتشر شده‌اند که هر دو داستان در هزارویک‌شب و هزارویک‌روز از گونهٔ رابطهٔ بینامتنی نقل قول (نقل قول یک داستان در ساختار کلی مجموعه داستان) است.

۴-۱۰. ملک و شاهزاده‌خانم شیرین

بن‌مایه‌های «سفر»، «استفاده از اشیاء جادویی»، «طمع کردن»، «از دست دادن دارایی» و «نیرنگ و فریب» در این داستان استفاده شده است. این داستان با قصهٔ «جولاه و دختر پادشاه عمان» از باب ۱۳ جامع‌الحکایات نسخهٔ گنج‌بخش همسانی و یکسانی دارد و در بخشی از روایت و همسانی وسیلهٔ پرواز، با داستان «ملک‌زاده و نجات مهربانو به‌وسیلهٔ تخت چوبین پروازکننده» (کنبوه لاهوری، ۱۳۹۲: ۲۵۲) یکسان است. البته استفاده از عناصر جادو در داستان‌هایی چون حسن بصری و نورالنساء هزارویک‌شب هم وجود دارد که پرواز با خمرهٔ جادوست (شب ۷۹۰ تا ۸۳۰) که برگرفته از بن‌مایه‌های قصهٔ عامیانهٔ فارسی و رابطهٔ بیش‌متنیت همراه با افزودگی و تغییر در ارکان روایت همراه است.

۴-۱۱. سه قلندر

داستان سه قلندر درواقع با داستان‌های عامیانهٔ بسیاری همسانی دارد که درویش‌ها برای مهمانان قصه می‌گویند و یادآور «چهار درویش امیر» و حکایت «افشارخان و سه درویش» است.

۴-۱۲. هرمز پادشاه بی‌غم

«هرمز پادشاه بی‌غم» درواقع داستان فرعی از داستان اصلی «سرگذشت بدرالدین لولو» است که پس از شنیدن سرگذشت اطرافیان و نیافتن فرد بی‌غم به سفر می‌رود و در مسیر، در اولین برخورد، سرگذشت سه قلندر را می‌شنود و ناامید به کاروان‌سرا

برمی‌گردد. سپس در گوشه‌ای از کاروان‌سرا با پادشاهی به نام هرمز، «پادشاه بی‌غم» آشنا می‌شود. بخش اول این داستان درواقع تداعی‌کننده و کامل‌کننده سه متن داستانی قبل بود که عطاءالملک و سیف‌الملوک و ملک هر سه داستان‌شان را قلندروار ارائه داده بودند. مجموعه داستان «بدرالدین لولو»، داستانی از هزارویک‌روز است که خود از سرمتنیت داستان تو در تو پیروی می‌کند و در دل آن داستان، داستان هرمز پادشاه بی‌غم نیز می‌آید که آن نیز به صورت چندلایه تعریف می‌شود و از این نظر شبیه داستان‌های هزارویک‌شب (شب ۱ تا ۴) است؛ ازجمله «شیخ خاموش و برادرانش» (شب ۳۰ تا ۳۳) و حکایت «بازگان و عفريت»، «پیر و غزال»، «پیر و سگش»، «پیر و استر» و «حکایت صیاد». داستان «هرمز پادشاه بی‌غم» در بن‌مایه با حکایت «پادشاهی که در جست‌وجوی انسان بی‌غم است» از جامع‌الحکایات - که تاریخ تحریر آن ۱۰۲۵ قمری است (صفا، ۱۳۷۰: ۵ / (۳) ۱۵۰۲) - هم‌ریشه است. و نیز داستان هرمز پادشاه بی‌غم با قصه «پرسیدن آن پادشاه از وزیر خود که در عالم ...» از باب ۱۱ جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش و ده‌ها داستان شفاهی ثبت‌شده در گونه کد ۱۶۴۵ فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۶۹) همسانی دارد.

۴-۴-۱۳. اوسین

قصه «اوسین» بیش‌متنیت از نوع افزودگی به متن فرضی «زندگی‌نامه بوعلی‌سینا» در متن فرانسوی است؛ هر چند این قصه با زندگی واقعی ابن‌سینا شباهتی ندارد. پل صباغ در مقاله «مقدمه‌ای بر کتاب هزارویک‌روز» از کتاب *سرار حکمت* - که روایتی داستانی و باورنکردنی از زندگی ابن‌سیناست - نام می‌برد (صباغ، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

۴-۴-۱۴. عذرای خوشگل

این حکایت با حکایت «رهانیدن حسن به واسطه گوهر با کوتوال و قاضی و محتسب و در خم کردن ایشان» از *بهار دانش* (کنبوه لاهوری، ۱۳۹۲: ۴۲۶)، حکایت «جولاه و درودگر و حیل‌دروودگر با جولاه»، «حکایت زن بنا با وزیران پادشاه کرمان و بم که چه کردند با آن زن بنا»، «ادب کردن زن بنا وزیران را» از *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک (صفا،

۱۳۷۰: ۵ (۳) / ۱۵۳۵، داستان شب ششم طوطی‌نامه (داستان نجار و زرگر و زاهد و حائک و پیکرچوب و مبتلا شدن به آن و صورت تظلم نمودن پیش درخت)، حکایت «زن بازرگان» در هزارویک‌شب (شب ۵۹۳-۵۹۶) و با حکایت «زن زرگر و ...» از باب ۱۲ جامع‌الحکایات نسخه گنج‌بخش همسان است و داستان‌های نامبرده با این داستان، رابطه بینامتنی از گونه نقل‌قول دارند؛ نقل‌قول یک داستان در داستان بزرگ‌تر. البته در پیرایش این نقل‌قول و قصه‌گویی با نقل‌قول صریح یا ضمنی دیگر سروکار نداریم؛ بلکه با رابطه بیش‌متنی در این داستان سروکار داریم که نسبت به داستان‌های ذکرشده تغییر و افزودنی بسیار دارد؛ زیرا زمان و مکان قصه و علت داستان نیز تغییر یافته است.

۴-۴-۱۵. ابوالفوارس سیاح اعظم

این قصه که شامل دو قصه سفر است با «سفرنامه‌های سلیمان تاجر صیرافی» رابطه بیش‌متنی دارد و با قصه «ابوالفوارس ملاح و در چاه گذاشته شدن خواجه ...» (حکایت ۳۲ جامع‌الحکایات همسان است و با حکایت «سفر سندباد» و «سفرنامه‌های سلیمان تاجر صیرافی» و با داستان حکایت اول «سه جوان غربت‌گزین به بدرقه رفقت هم» از بهار دانش (کنوه لاهوری، ۱۳۹۲: ۳۵۶) و بسیاری از داستان‌های ایرانی دیگر در باب سفر دریانوردی چون قصه «سلیم جوهری با حجاج یوسف» (حکایت ۱۵) از جامع‌الحکایات نسخه آستان قدس رضوی هم‌ریشه است و قرابت دارد و نیز با گونه کد ۳۰۱ «سفر به دنیای زیرین» فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۷۵) همسان است. وجود علاقه زیاد به داستان‌های سرنوشت و سفرهای دریایی در سنت قصه‌گویی ایرانی این شگرد را به بن‌مایه قصه‌های عامیانه تبدیل کرده است. از این رو، بیش‌متن مشخصی برای این قصه در نظر گرفته نمی‌شود؛ ولی آنچه در داستان ابوالفوارس معلوم و مشخص است افزودگی و تغییر در این داستان است؛ مثلاً ارتباط با خلفای اسلامی، چنانکه تاریخ قصه به دوران خلیفه دوم اسلامی می‌رسد. حضور اسلام‌گرایی و تحریم ازدواج با غیرهمدین در داستان «علاءالدین الشامات» (شب ۲۶۷) در هزارویک‌شب نیز آمده است. همچنین جابه‌جایی انسان توسط دیو در هزارویک‌شب در همین داستان علاءالدین الشامات و یا داستان «حکایت عجیب و غریب» (شب ۶۴۲ تا ۶۸۰) آمده

است.

۴-۴-۱۶. دو برادر: عادی و داهی

این حکایت بن‌مایه‌های «نامیرایی»، «ازدواج با جن و پری»، «مکر زنان» و «پاداش خیانت» دارد. با برخی از متن‌های تاریخی - جغرافیایی مانند شگفت‌انگیزی جزیره‌ای که زنان بر آن حکومت می‌کنند و ترجیح پیران بر جوانان، رابطه بینامتنی دارد. در نوع شگفتی و جهان ناممکن حکایت «بازگان و عفریت»، «پیر و غزال»، «پیر و سگش»، «پیر و استر» و حکایت «صیاد» در هزارویک‌شب (شب اول تا چهارم) را یادآوری می‌کند.

۴-۴-۱۷. سلطان موصل، تاجر بغدادی و زینب خوشگل

این قصه با حکایت «از زبان دختر پاک‌دامن با کامگار» در بهار دانش (کنوه لاهوری، ۱۳۹۲: ۳۸۱) و با بخش میانی «فروش همسر به کنیزی با عاشق» صادق هزارویک‌شب (شب ۸۹۶ تا ۸۹۰) و با داستان شب چهل‌وششم طوطی‌نامه (ماجرای جوان بغدادی که بر کنیزک مطرب عاشق شده بود پس به جوان هاشمی فروخت) رابطه بیش‌متنیت دارد؛ اما هر سه داستان زبرمتن‌اند و نه بیش‌متن؛ زیرا متن پایه و یا قدمت ساخت متن قصه در هر سه دقیقاً مشخص نیست. «کنجکاوی شخصیت تاریخی»، «تغییر لباس و گمنامی افراد مشهور»، «رسیدن به آرامش بعد از سختی»، «جدال خیر و شر و پیروزی خیر بر شر» و همچنین «فرجام نیک و پاداش نیک» که در این داستان ذکر شده است بن‌مایه قصه‌های ایرانی است که با دیگر متون مشابه روابط بیش‌متنی دارد.

۴-۴-۱۸. رب‌سیماب

بن‌مایه‌های «جدال خیر و شر» و «رسیدن به خوشی بعد از سختی» از بیش‌متن‌اند. «سفر دریایی» و «غرق شدن کشتی» نیز بن‌مایه‌های داستانی آشنا در ادبیات عامیانه فارسی هستند که در این متن از زیرمتن‌های تاریخی - جغرافیایی ایرانی برداشته شده‌اند. بن‌مایه «عدم تمایل به ازدواج در دختران جوان» در این قصه نیز مانند توران‌دخت در قصه «شاهزاده خلف و توران‌دخت ملکه چین» و قصه بنیادین این داستان‌های تو در تو تکرار می‌شود. در نوع روابط متنی با داستان شب پنجاه‌ویکم از طوطی‌نامه (داستان

«بهرام‌شاه و دو وزیر او خاصه و خلاصه و به انصاف رسیدن دختر خاصه و هجوم بلیات و خلاص او از برکت و پاکی خویش» رابطه بیش‌متنی دارد؛ ولی بدون دانستن بیش‌متن قطعی هر دو متن نامبرده زبرمتن هستند. دقیقاً این داستان به‌صورت خلاصه‌تر در شب ۴۶۲ هزارویک‌شب آمده است که قصه «رب سیماب» و قصه هزارویک‌شب هر دو رابطه زبرمتنی از یک بیش‌متن دارند و از طرفی چون در داستانی طولانی‌تر نقل‌قول می‌شوند از نوع رابطه بینامتنی نقل‌قول‌اند.

۵. نتیجه

تألیف، ترجمه و بازترجمه هزارویک‌روز فرایندی بینامتنی است. نقش دلاکراوا در ترجمه اولیه (از زبان فارسی به فرانسوی)، پرداخت، نگاهداشت متن و انتقال آن، انکارنشده‌نی است. نایاب شدن نسخه اصل کتاب و پژوهش‌های بی‌نتیجه درباره شناسایی درویش مخلص در گذر ۳۰۰ ساله چاپ این کتاب به زبان فرانسوی، همواره شک پژوهشگران را به وجود متن اولیه هزارویک‌روز برانگیخته است تا جایی که برخی این کتاب را جعلی و تنها تألیف دلاکراوا بر اساس ترجمه و سرهم‌بندی داستان‌های ایرانی می‌دانند.

پس از بررسی بینامتنی کتاب هزارویک‌روز و شواهد تأثیرگذار بر متن آن نتایجی به‌دست آمد: شش قصه «رضوان‌شاه و شاهزاده‌خانم شهرستانی»، «کولوف و دل‌آرای خوش‌سیما»، «سیف‌الملوک»، «عذرای خوشگل»، «ابوالفوارس سیاح اعظم» و «رب سیماب» در ساختار کلی هزارویک‌روز از گونه رابطه بینامتنی و نقل‌قول غیرصریح از متن‌های پیش از خود هستند و از زاویه روایت و عناصر داستان رابطه بیش‌متنی دارند؛ یعنی نقل‌قول‌ها با توجه به فرایند قصه‌گویی عامیانه ایرانی، نقش پرداخت و چینش بن‌مایه‌های داستانی و حضور قصه‌گو و قصه‌نویس و مترجم در فرایند ساخت قصه عامیانه به روابط بیش‌متنی (افزایش و کاهش و دگرگونی متن) ختم شده‌اند. دوازده قصه دیگر بر اساس سنت قصه‌گویی، پرداخت و چینش و بسط بن‌مایه‌ها رابطه بیش‌متنی با متن قصه‌های پیش از خود دارند و هرگز نمی‌توان گفت ریشه و بنیان داستان‌های هزارویک‌روز جعلی، اختراعی، پرداخته خیال و ریخته قلم

دلاکرواست و به هیچ وجه حتی یک قصه از آن به خاستگاهی غیر از قصه‌های عامیانه فارسی و جغرافیای ایران تعلق ندارد. بررسی هنر/رویک‌روز از دریچه سه عنصر دیگر بینامتنیت (ترامتنیت) نظریه ژنت یعنی ورامتنیت و سرمتنیت و پیرامتنیت، نشان می‌دهد این کتاب در قصه بنیادین، شیوه روایت تودرتو و چینش قصه‌ها در کنار هم کاملاً از الگوی قصه‌های عامیانه ایرانی بهره می‌برد و فرایندی بینامتنی و محصول جامعه زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی است.

پی‌نوشت‌ها

1. François Pétis de la Croix
2. Mille et un Jours
3. Les Mille et une Nuits
4. Antoine Galland
5. Hammer-Purgstall
6. Collin de Plancy
7. Arnest Pol
8. Spaak Paul
9. Sebag Paul
10. Text
11. Intertextuality
12. Ferdinand de saussure
13. Chrls sanders peirece
14. Julia Kristeva
15. Le mot, Le dialogueue, Le roman
16. Parodie
17. Roland Barthes
18. De l'oeuvre au Texte
19. Jenny Laurent
20. Michael Riffaterre
21. Gérard Genette
22. Harold Bloom
23. Palimpsestes
24. Transtextualite
25. Metatextualite
26. Arcitextualite
27. Paratextualite
28. Hypertextualite
29. Hypotext
30. Hypertext
31. Imitation
32. Transformation

- 33. Pastiche
- 34. Charge
- 35. Forgerie
- 36. Parodie
- 37. Motifs

منابع

- آلن، گراهام (۱۳۹۵). بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
- اته، هرمان (۱۳۵۶). تاریخ ادبیات فارس. ترجمه رضا شفق. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۷۰). عناصر نشانه‌شناسی. ترجمه مجید محمدی. تهران: نشر الهدی.
- ----- (۱۳۸۲). لذت متن. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
- بی‌نا (۱۳۹۱). جامع‌الحکایات (نسخه کتابخانه گنج‌بخش پاکستان). به کوشش محمد جعفری (قنواتی). تهران: قطره.
- بی‌نا (۱۳۹۳). جامع‌الحکایات (بر اساس نسخه آستان قدس رضوی). به کوشش محمد جعفری (قنواتی). تهران: مازیار.
- تاجر سیرافی، سلیمان (۱۳۸۱). سلسله‌التواریخ یا اخبارالصین و الهند (با گردآوری و اضافات ابوزید حسن سیرافی). ترجمه حسین قرچانلو. تهران: اساطیر.
- تسکین شیرازی (۱۳۸۲). فلک‌نازنامه. به کوشش سید علی آل‌داوود. تهران: توس.
- تنوخی، ابوعلی محسن (۱۳۹۵). فرج بعد از شدت. ترجمه حسین بن احمد دهستانی. به کوشش محمد قاسم‌زاده. تهران: نیلوفر.
- دلاکروا، پتی (۱۲۷۵). ألف النهار. ترجمه محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمد کریمخان قاجار. تهران: (نسخه چاپ سنگی) مطبعة مدرسه دارالفنون.
- ----- (۱۳۲۹). ألف النهار. ترجمه محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمد کریمخان قاجار. تهران: امیرکبیر.
- رستمی گوران، جلال (۱۳۸۹). «معمای حل‌نشده هزارویک‌روز». جهان کتاب. س ۱۵. ش ۳ و ۴. صص ۶۹-۷۰.
- صباغ، پل (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر کتاب هزارویک‌روز. جهان هزارویک‌شب. آندره شرل و همکاران. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.

- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۵۹). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*. به کوشش بانو مصفا کریمی. تهران: بنیاد فرهنگ.
- کنبوه لاهوری، عنایت‌الله (۱۳۹۲). *بوستان دانش*. به کوشش حسن ذوالفقاری و عباس سعیدی. تهران: رشد آوران.
- کوش، سلینا (۱۳۹۶). *اصول مبانی تحلیل متون ادبی*. ترجمه حسین پاینده. تهران: مروارید.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۵). *بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- ----- (۱۳۸۸). «بینامتنیت نزد ژرار ژنت». *مجموعه مقالات هم‌اندیشی هنر تطبیقی*. فرهنگستان هنر. ش ۱۵. صص ۹۸-۱۱۴.
- ----- (۱۳۸۵). «پیرامتنیت یا متن‌های ماهره‌ای». *مقالات هم‌اندیشی هنر تطبیقی*. فرهنگستان هنر. ش ۵. صص ۱۹۶-۲۱۲.
- نخشب، ضیاءالدین (۱۳۷۲). *طوطی‌نامه*. تصحیح دکتر فتح‌الله مجتبابی و غلامعلی آریا. تهران: منوچهری.
- مارزلف، اولریش (۱۳۹۳). *طبقه‌بندی داستان‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: سروش.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران* (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران). به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.
- میکال، آندره (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر هزار و یک‌شب*. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.
- Genette, Gérard (1997). *Palimpsests: Literature in the Second Degree*. Trs. Channa Newman & Claude Doubinsky. Foreword by Gerald Prince. Paris: University of Nebraska Press.
- Genette, Gérard (2009). *paratexts thresholds of interpretation.*, Tr. Jane E. Lewin. Foreword by Richard Macksey. Paris, Cambridge.
- Dela Croix, Petis (1919). *les mill et un jours*. Paris: Llbairie Garmer Freres.

Persian Tales: investigating the stories of one thousand and one days: An inter textual approach

Aliyeh Yusef Fām^{*1}, Reza Taheri²

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature / Islamic Azad University – Tehran Central Branch.

2. M.A Student in Persian Language and Literature/ Islamic Azad University – Tehran Central Branch.

Receive: 28/07/2017 Accept: 7/08/2018

Abstract

According to the approach of intertextuality to the analysis of literature, no text is self-sufficient and each text in its turn would be an inter text to its pre and post texts. In this essay, the authors are going to introduce the collection of labyrinth stories entitled *one thousand and one days*, which based on the claim of Pétis de La Croix, is the French translation of the Persian collection called "*Persian tales*" by Dervish Mokhles. Then, by adopting Gérard Genette inter textual approach, the stories of this collection will be compared with Iranian folk tales. Research methodology is descriptive –analytical. By taking into account the notions such as trans -text , arci- text and para -text , this collection benefits totally from Iranian folk tale either in content , manner of labyrinth narration or tales arrangement and every authorship, translation etc. would obey from Iranian folk tales pattern. There are also six stories in the general structure of the one thousand and one days which are the inter textual types and indirect quotations from their pretexts. They totally share some common features in narration and elements of story with Iranian folk tales as a kind of hypertext. Twelve other narratives, based on the tradition of storytelling, theme, and the arrangement of material have the hyper textual relationship with the text of Persian folk tales, it can never say that the source of these tales are inventive , fake and depend on De La Croix imagination.

Keywords: One thousand and one days, Alf Al Nahar, Intertextuality, Trans- textuality

*Corresponding Author's E-mail: daliehyf@yahoo.com

